

## تأملی در باب وهابیت

گروه وهابیت اساساً از نظر افکار و عقاید با مذهب تسنن متفاوت است...



## تأملی در باب وهابیت

گروه وهابیت اساساً از نظر افکار و عقاید با مذهب تسنن متفاوت است و بسیاری از عقاید اهل تسنن را شرک آمیز و کفر تلقی می‌کند. در حقیقت وهابیت یک جریان سیاسی است که می‌خواهد با پوشش مذهبی و انتساب خویش به مذهب تسنن از وحدت مذاهب اسلامی جلوگیری نموده و خط تفرقه بین دو فرقه عمده خاصه و عامه را تشدید کند و سلطه استعمار را همواره بر ملل اسلامی پاس دارد.

متأسفانه وهابیت امروزه با دردست داشتن سرزمین زرخیز عربستان و تکیه بر ثروت عظیم خدادادی توانسته است به جریان نیرومندی تبدیل شود و سازمان‌های بی‌شماری را در جهان برای تبلیغ مرام خویش بنیان نهد. به‌ویژه در کشورهای ایران و پاکستان در مناطق سنی‌نشین که اغلب از فقر و استضعاف رنج می‌برند سرمایه‌گذاری‌های فراوان نموده، مدارس علمیه تاسیس کرده و پول‌هایی را برای طلاب و... خرج کند و آنها را به سیاست‌های عربستان جذب نماید.

عقایدی را که وهابی آن را حد فاصل خویش با شیعه می‌دانند و با تمسک به آنها شیعه را خارج از دین و مشرک قلمداد می‌کنند در حقیقت عقاید مشترک شیعه و سنی است و شیعه و سنی به هم نزدیک‌ترند تا وهابیت.

هر چند مذهب و مسلک وهابی‌ها توسط محمد بن عبدالوهاب نجدی پدید آمده که در سال 1206 هجری درگذشته است ولی اساس معتقدات وهابی‌ها را افکار و نظرات ابن‌تیمیه تشکیل می‌دهد. از این رو باید ابن‌تیمیه حنبلی را پیشرو علمای وهابی دانست که در قرن هشتم هجری می‌زیسته و زندگی آشفته‌ای را داشته است. فرقه وهابیت نه تنها در این خصوص انکاری ندارند بلکه به آن نیز می‌بالند. خود ابن تیمیه هم تحت تاثیر برخی از احادیث و آراء احمد بن حنبل پیشوای حنابله متوفی سال 241 هجری قرار داشته که در کتاب مشهورش المسند و دیگر آثارش آمده است و بر اساس آنها ابن تیمیه خدا را جسم می‌دانسته و برای ذات مقدس باری تعالی دست و پا و چشم و زبان و دهان و مکان قائل بوده است. او چون به ظاهر آیات و روایات می‌نگریسته خدا را در بالای آسمان و نشسته بر تخت می‌پنداشته و در عین اینکه منکر تشبیه خدا بوده چنین اعتقادی نسبت به ذات حق داشته است. افکار احمد حنبل یکی از مهم‌ترین منابع فکری و مذهبی محمد بن عبدالوهاب بود به طوری که وهابی‌ان از نظر مذهب جزو حنبلیان هستند. او از عقل و رای بی‌زاری جست و در استناد به حدیث هرچند ضعیف و غیرمستند تا آنجا مبالغه کرد که گروهی از بزرگان او را از ائمه حدیث شمرده‌اند و نه از فقها. عجیب اینکه گفته می‌شود نسب احمد بن حنبل به ذی‌الثدیه رئیس فرقه خوارج می‌رسد. معروف است که او نیز مانند جدش مخالف حضرت علی علیه‌السلام بوده است. محمد بن عبدالوهاب نجدی در سده دوازدهم هجری از صحرای دورافتاده نجد و میان مردمی بیابانی و خشن و بدو از راه و رسم مسلمانی برخاست. او نیز مانند ابن تیمیه حنبلی‌مذهب و اهل حشو بود. عقاید ابن تیمیه و شاگردانش ابن قیم جوزیه و ابن عبدالهادی را سرمشق خود قرار داد و در این راه از آنها نیز گام را فراتر نهاد تا جایی که عموم مسلمین را کافر و مشرک دانست و کلیه بلاد اسلامی حتی مکه و مدینه را که هنوز بدست وهابی‌ها نیفتاده بود دارال حرب و دارالکفر نامید و جنگ با مسلمانان و اشغال آن اماکن مقدسه و تخریب تمامی شعائر اسلامی را بر پیروان خود واجب نمود.

احمد زینی دحلان در کتاب خلاصه الکلام می‌نویسد: محمد بن عبدالوهاب کسانی را که از مذهب او پیروی می‌کردند و فریضه حج را انجام داده بودند و می‌داشتند که دوباره حج کنند و به آنها می‌گفت حج اول تو در حال شرک بوده و باطل است. همچنین به کسانی که به مذهب او می‌گرویدند پس از ادای شهادتین می‌گفت شهادت سومی را هم بر زبان جاری کنی و بگویند که قبلاً کافر بوده‌ایم و پدر و مادرمان در حال کفر از دنیا رفته‌اند. اگر آنها این شهادت سومی را بر زبان جاری نمی‌ساختند دستور قتل آنها را می‌داد. او به طور آشکار می‌گفت: مسلمانان 600 سال کافر بوده‌اند و غیر از پیروان خودش بقیه مردم را مشرک و کافر و خون و مالشان را حلال و مباح می‌دانست.

از نخستین کسانی که محمد بن عبدالوهاب را در مرام و عقاید مخصوصش یاری کردند محمد بن سعود و پسر او عبدالعزیز و نوه اش سعود بن عبدالعزیز بود.

جریان وهابیت ریشه در جریان‌های مذهبی گذشته در تاریخ اسلام دارد. این جریان از نظر روحیه‌ها و خط مشی‌ها بسیار شبیه خوارج صدر اسلام بود هرچند که به ظاهر با آن مخالف بود. به این معنا که اینان مانند خوارج لاحکم الا لله را شعار خود کرده بودند و مانند آنها از کلمه حق اراده باطلی داشتند و با ذهنیتی جزمی با بسیاری از مسائل با عنوان‌هایی چون شرک و بدعت مبارزه می‌کردند.

در کتاب خاطرات مستر همفر جاسوس کهنه‌کار انگلیس در کشورهای اسلامی می‌خوانیم که وی با دانستن زبان عربی و فارسی و ترکی و گشت و گذار به ترکیه و عراق و نجد در پی شخصی بوده که بتواند او را وادار به ایجاد تفرقه در جهان اسلام کند تا پس از تثبیت حضور بریتانیا در هند به وسیله کمپانی هند شرقی، این سوی دنیای اسلام یعنی شبه جزیره العرب و اماکن مقدسه را نیز تحت سلطه داشته باشند. او می‌نویسد که من گمشده خود را در محمد بن عبدالوهاب یافتم زیرا پایبند نبودن او به ضوابط مذهبی و روح غرور و خودپسندی و تنفري که از علمای عصر خود داشت و استقلال نظرش که حتی به خلفای چهارگانه (ابوبکر، عمر، عثمان و امام علی) اهمیتی نمی‌داد و تنها به فهم خودش در قرآن و سنت اتکا می‌کرد از بارزترین نقاط ضعفی بود که می‌توانستم از این راه‌ها در او نفوذ کنم.

همفر با کمک زنی که او هم جاسوس انگلیس بود و نام مستعار صفیه را داشت محمد بن عبدالوهاب را بر آن داشتند تا دعوی خود را آشکار کند و سرانجام آن شد که پیروان او دست به تخریب اماکن مقدس اسلامی زدند.

وهابی‌گری به تحریک استعمار انگلیس برای تفرقه انداختن در بین جامعه مسلمانان تقریباً در کلیه کشورهای اسلامی از جمله ایران شیوع یافت و نویسندگان مزدوری آن را در بین مردم ترویج کردند. در ایران پس از شهریور 1320 که قوای اشغالگر انگلیس وارد ایران شدند تنی چند از روشنفکران‌های به اصطلاح اصلاح طلب دست به رواج افکار وهابی زدند که از جمله شخصی به نام حکمی‌زاده بود. او جزوه‌ای به نام اسرار هزارساله نوشت و در آن گزیده افکار وهابی‌ها را به عنوان اندیشه‌های خود و ایراد و اعتراض به عقاید هزارساله شیعیان منتشر ساخت که امام خمینی (ره) در همان ایام کتاب کشف‌الاسرار را در رد آن نوشت و منتشر ساخت و دیگری احمد کسروی بود که در کتاب‌های خود از جمله کتاب شیعی‌گری به انتشار افکار وهابی‌ها پرداخت و مرحوم حاج سراج انصاری کتاب «شیعه چه می‌گوید» را در رد آن نوشت.

#### دیدگاه‌ها و نظرات مکتب وهابیت

##### «توسل» از دیدگاه وهابیت:

وهابی‌ها می‌گویند: جایز نیست به مردگانی که در نزد خدا مقامی دارند توسل جست و از آنها حاجت خواست. آنها گاهی به گفته محمد بن عبدالوهاب استناد می‌کنند که می‌گوید توسل به مردگان خطاب به معدوم است و از نظر عقل کار زشتی است، زیرا مرده قدرت اجابت تقاضای زندگان را ندارد.

##### «شفاعت» از دیدگاه وهابیت:

وهابی‌ها می‌گویند شفاعت کردن انبیاء و اولیای خدا در دنیا بلائثر است. شفاعت آنها فقط در آخرت مسلم است. بنابراین اگر بندگان خدا میان خود و خدا کسانی را واسطه قرار دهند و از آنها بخواهند که نزد خدا از آنان شفاعت کند این شرک است و عبادتی برای غیر خداست. پس لازم است که بندگان دعای خود را متوجه خدا کنند و بگویند خدایا ما را از کسانی قرار ده که شفاعت محمد صلی‌الله علیه و آله و سلم به آنها می‌رسد.

##### دیدگاه وهابیت در مورد بنای قبور انبیاء و اولیاء:

وهابی‌ها می‌گویند بنای قبور و محکم کردن آنها و قرار دادن ضریح بر روی آنها همگی شرک است.

##### دیدگاه وهابیت در مورد زیارت مرقد منور پیغمبر و ائمه علیهم‌السلام:

وهابی‌ها می‌گویند زیارت قبور ائمه و آمدن از نقاط دور برای زیارت مرقد منور پیغمبر اسلام صلی‌الله علیه و آله و سلم جایز نیست و عقیده دارند که اینها شرک و عبادت برای غیر خداست.

##### دیدگاه وهابیون در مورد خیرات و صدقات و نذورات:

از موارد دیگری که وهابیون سبب شرک می‌دانند خیرات و صدقات و نذور برای اموات است. لذا در کتاب فتح‌المجید آمده است: مشاهده مشرفه و مکان‌های مقدس و قبور اولیا که محل زیارت و خیرات و نذورات گردیده است محل شیطان است و توقف در این مکان‌ها مانند زینبیه و راس‌الحسین در سوریه و کربلا و نجف حرام می‌باشد. همچنین می‌افزاید: قبلاً در حجاز نیز چنین اماکنی وجود داشت که بحمدالله به دست توانای عبدالعزیز آل‌سعود ویران شد و امید است که خداوند بقیه را هم ویران کند.

##### دیدگاه وهابیون در مورد تزئین مساجد:

محمد بن عبدالوهاب می‌گوید: چون پیرامون تزئین مسجد النبی و سایر مساجد دلیلی موجود نیست اصل بر منع تزئین بوده و انجام آن بدعت و حرام است لذا تزئین مساجد مانند نصب لوسترها و چلچراغ‌ها و قندیل‌ها و معماری زیبا حرام است.

##### دیدگاه وهابیت در مورد سوگواری:

عزاداری و سوگواری با پیدایش اسلام قرین بوده و مسلمانان برای شهدای جنگ‌های پیامبر با دشمنان اسلام سوگواری می‌کردند بنابراین عزاداری جزء رسوم مسلمین در قرن اول بوده است که وهابیون مدعی هستند آنچه در قرن اول رسم مسلمین بوده است را قبول دارند اما در عین حال عزاداری به هنگام مصیبت و گریه بر اموات را حرام و از اعمال جاهلیت می‌خوانند. اینان معتقدند که صدا را بلند نمودن با گریه در عزای میت با صبری که در مصیبت واجب است منافات دارد و این نوع

عزاداري از گناهان كبيره است.

به طور خلاصه مي توان اعتقادات و مواضع آنها را در موارد ذيل بيان كرد:

- منع زيارت قبور پيشوايان ديني و عدم جواز ساختن گنبد و بارگاه براي آنان و لزوم ويران كردن آنها، منع توسل به پيامبر و ائمه و مقدسان و طلب شفاعت از آنها
  - منع سوگند به خدا و كافر و مشرك دانستن عاملان اين عقايد به ويژه شيعيان
  - بدعت دانستن هر چيز جديدي و وسعت دادن دايره شرك
  - مخالفت كردن با عقل، فلسفه، تشيع و تصوف در هر شكل آن
  - تكيه كردن بر ظواهر قرآن و حديث و اثبات جهت براي خداوند و معتقد بودن به رويت او
  - جلوگيري از تفرقه مسلمانان غيرشيعه و بازگشت به سنت پيامبر و عمل سلف يعني صحابه و تابعين
- و هابيون همچنين همه امور و پديده هاي جديدي را كه در سه قرن اول هجري سابقه نداشت بعنوان بدعت حرام مي دانستند. موارد ذيل نمونه هايي از موضع گيري آنهاست:

منع فراگيري فلسفه و منطق و علوم جديد، حرمت استعمال دخانيات، منع استفاده از دوچرخه به اين دليل كه ارايه شيطان يا اسب شيطان است و به نيروي جادو و با پاي شيطان حركت مي كند، مخالفت با اختراعات جديد ديگر چون تلفن و تلگراف و دوربين عكاسي، حرام آشكار خواندن گرفتن حق گمرک و ماليات و بسياري از امور جزئي و فرعي در آداب و رسوم و عبادات مسلمانان نظير صلوات فرستادن بر پيامبر در مغازه و بعد از اذان تا جايي كه حتي به دستور شيخ محمد، افراد خاطي به قتل مي رسيدند.

#### سخني از امام خميني(ره)

«مي بينيم كه ملك فهد (پادشاه كنوني حجاز و سلطان وهابي ها) هر سال مقدار زيادي از ثروت هاي بي پايان مردم را صرف طبع قرآن كريم و عمال تبليغات مذهب ضد قرآني مي كند و مردم و ملت هاي غافل را سوق به سوي ابرقدرت ها مي دهد و از اسلام عزيز و قرآن كريم براي هدم اسلام و قرآن بهره برداري مي كند...»

#### منابع:

- 1- ابراهيمي، محمدحسين، تحليلي نو بر عقايد وهابيان، مركز انتشارات دفتر تبليغات اسلامي قم، چاپ اول 1376
- 2- دواني، علي، فرقه وهابي و پاسخ به شبهات آنها، علامه فقيد سيد محمدحسن قزويني، مركز فرهنگي نشر قبله، 1377
- 3- كاظمي، علي، خاطرات مستر همفر، كانون نشر اندیشه هاي اسلامي، چاپ چهارم حال و بختياري، 1370
- 4- موثقي، سيداحمد، جنبش هاي اسلامي معاصر، انتشارات سمت، چاپ سوم، 1378